

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

بازتایپ از: لاله هوادار (سازمان انقلابی افغانستان)

۱۴ می ۲۰۱۲

تسعیر پول به سرمایه

پول به خودی خود سرمایه به وجود نمی آورد. پول مدت درازی پیش از سرمایه داری وجود داشته است ولی تنها در مرحله معینی از تکامل تولید کالائی، به سرمایه تسعیر شده است. پیش از سرمایه داری، گردش کالا که می توان آن را با فرمول زیر نمایش داد، وجود داشته است:

$C - M - C$ (کالا – پول – کالا)

یعنی فروش یک کالا، به منظور خرید کالای دیگر صورت می گرفته است. لیکن گردش سرمایه با فرمول دیگری نمایش داده می شود. به اینقرار:

$M - C - M'$ (پول – کالا – پول)

یعنی خرید به منظور فروش

فرمول $C - M - C$ ، نماینده تولید کالائی ساده است. در این حالت یک کالا در ازای کالای دیگر به وساطت پول مبادله می گردد. پول تنها به عنوان یک واسطه مبادله عمل می کند، این پول سرمایه نیست. هدف از مبادله کالا روشن است. مثلاً یک بوت دوز، بوت هائی را که ساخته است به منظور خرید نان، به فروش می رساند. مفهوم این امر آن است که یک ارزش مصرف با ارزش مصرف دیگری مبادله شده است.

لیکن فرمول $M - C - M'$ خصلت کاملاً جداگانه ای دارد. در اینجا پول نقطه عزیمت است و به عنوان وسیله ای برای انجام یک خرید که این خرید به منظور فروش صورت گرفته است به کار می رود، یعنی پول در اینجا به عنوان سرمایه کار می کند. سرمایه دار با پول خود کالا های معینی را به منظور تبدیل مجدد آنها به پول خریده است. در این مورد، نقطه عزیمت و نقطه خاتمه هر دو یک حالت دارند: سرمایه دار در آغاز عمل پول داشت و در پایان نیز پول دارد.

اما اگر در پایان عمل، سرمایه دار همان مبلغ پولی را که در آغاز داشت، داشته باشد، گردش سرمایه بی نتیجه خواهد بود. منظور از وجود سرمایه تماماً همین است که پس از گردش، پولی بیشتر از آنچه در آغاز وجود داشت، به دست آید. هدف نهائی از کلیه فعالیت های سرمایه دار، استخراج سود است به این دلیل، گردش پول در

شرایط سرمایه داری، توسط مارکس در فرمولی که آن را فرمول عمومی سرمایه نامیده است، به ترتیب زیر نمایش داده می شود:

M-C-M

که در آن M نماینده پول اصلی است به اضافه افزایشی معین. مارکس این افزایش یا پول اضافه بر مبلغ اصلی را ارزش اضافی می نامد و حرف (S) را برای نشان دادن ارزش اضافی به کار می برد. سرمایه داران از پول نه به عنوان یک واسطه در گردش کالا، بلکه به عنوان یک وسیله تحصیل سود و کسب ثروت استفاده می کنند.

این گردش پول در نظام سرمایه داری دور بی پایانی است که طی آن پول خاصیت افزایش پذیری پیدا می کند. ارزش خود افزا، یا ارزشی که ارزش اضافی به همراه می آورده، سرمایه نامیده می شود.

پس ببینیم این افزایش سرمایه چگونه صورت می گیرد؟ آیا ممکن است این افزایش در حوزه گردش، حین انجام معاملات خرید و فروش صورت گرفته باشد؟ اگر چنین بیندیشیم، خطا کرده ایم. زیرا این معاملات (در حوزه گردش) صرفاً نوعی مبادله مقادیر مساوی، یعنی مبادله ارزشهایی است که دارای مقدار مساوی اند. با این وجود، اگر کلیه فروشندگان بتوانند کالا های خود را فرضاً ده درصد بیش از ارزش آنها به فروش رسانند، در موردی که آنها خود خریدار باشند، مجبوراند همان ده درصد را به فروشندگان برگردانند. به این ترتیب، صاحبان کالا آنچه را که به عنوان فروشنده به دست می آورند، به عنوان خریدار از دست می دهند. در حالی که عملاً واقعیت آنست که برای کلیه سرمایه داران برای تمامی طبقه سرمایه دار، افزایش سرمایه به دست می آید.

اما در این باره سوالی پیش می آید که چگونه سرمایه دار، که کالا ها را به ارزش خود می خرد و می فروشد، قادر به استخراج ارزش اضافی خواهد بود؟

فرمول عمومی سرمایه شامل دو عنصر است: پول و کالا. در نتیجه، افزایش ارزش تنها با تغییری که در مورد پول یا در مورد کالا ممکن است پیش آید، امکان پذیر می گردد. با این وجود، پر واضح است که پول به خودی خود نمی تواند ارزش خود را تغییر داده و افزایشی حاصل نماید. مفهوم این امر آنست که سر چشمه افزایش ارزش را باید در کالا ها جست و جو کرد.

برای آن که پول به سرمایه تسعیر گردد، سرمایه دار باید کالائی را در بازار بیابد که وقتی به کار رفت، ارزشی بیشتر از آنچه در عمل دار است به وجود آورد. این کالا، نیروی کار است.

ادامه دارد...

بر گرفته از کتاب علم اقتصاد، نوشته ای: پ نیکی تین